



در این شماره

سرمقاله

جای پهلوانان در رسانه‌ی ملی شما کجاست؟

۵

مقاله‌ها

«شش مقام» به عنوان یک سیستم موسیقایی / هومان اسعدی

۹

گره‌گشایی «آوازهای طاهرزاده» / رامین جزایری

۴۳

برخی از شعرهای «آوازهای طاهرزاده» / وهرز پوراحمد

۵۹

اشاره‌ای دیگر به «اشاره» / داریوش زرگری

۶۵

موسیقی شادی و سرور در تاجیکستان / منصوره ثابت‌زاده

۶۹

- ۸۵ انجمن فیلامونیک تهران / دکتر امیر اشرف آریان پور
- ۱۰۷ پیدایش شکل های جدید نگارش در موسیقی قرن بیستم / اتابک الیاسی
- ۱۲۵ موسیقی، کامپیوتر و اینترنت / بهروز جمالی
- ۱۴۳ خلاقیت یعنی تفکر خلاق / پیتر وبستر / ترجمه ی بابک بوبان
- ۱۵۷ نیاز جامعه به موسیقی (نتایج یک نظرسنجی) / مژگان مقتدر
- ۱۶۹ مکتب سنتور استاد فرامرز پایور / پژمان آذر مینا

گفت و گو

- ۱۷۷ گفت و گو با استاد حسین دهلوی

Shiraz-Beethoven.ir

رویدادها

- ۱۸۵ تا فصلی دیگر ... / محمد موسوی
- ۱۸۹ رستم و سهراب از ارمنستان آمدند

موسیقی در مطبوعات

- ۱۹۳ موسیقی و آغاز هزاره ی سوم

کتاب‌های تازه‌ی موسیقی

- ۱۹۹ ردیف آوازی و تصنیف‌های قدیمی به روایت استاد عبدالله دوامی
- ۲۰۰ دوره‌های سنتور ردیف استاد ابوالحسن صبا
- ۲۰۰ موسیقی و خلسه: ذکرهای مراسم گواتی بلوچستان
- ۲۰۱ ردیف مقدماتی تار و سه‌تار (کتاب سوم)
- ۲۰۱ آموزش تنبک برای دوره‌های ابتدایی و متوسطه
- ۲۰۲ رهبری ارکستر: راهنمای جامع فنون و شیوه‌های رهبری

Shiraz-Beethoven.ir

نوارها و سی.دی.های تازه

- ۲۰۳ آوازهای رضاقلی میرزاظلی
- ۲۰۴ موسیقی تربت جام
- ۲۰۵ آوازهای زار

* * *

توضیح

در شماره‌ی گذشته، هنگام صفحه‌آرایی، یک سطر از مقاله‌ی «نگاهی به نوشته‌های هنری جورج فارمر» نوشته‌ی خانم آمنه گازرانی حذف شده‌بود. با پوزش از نویسنده‌ی مقاله و خوانندگان محترم، سطر چهارم صفحه‌ی ۱۱۴ که جا افتاده، این است:

در دهه‌ی سوم قرن بیستم هنری جورج فارمر، موسیقی‌شناس و مورخ موسیقی، بیش از

تانه‌ها می‌نوازند. ترانه‌های محلی تاجیکی و ازبکی نیز با این سازها اجرا می‌شوند. در یکلان، به‌همراه این گروه از سازهای بادی، پسرکان رقصنده که روی چوب‌های بلندی ستاده‌اند، وارد مجلس می‌شوند و مسخرگی می‌کنند و پس از جمع کردن شاباش، جای خود به گروه موسیقی حاضر در مجلس می‌دهند. اسپکچه‌بازی یا بازی اسب چوبی که در برخی مناطق خراسان و بختیاری در ایران هنوز نیز مرسوم است، در برخی از شهرهای تاجیکستان، نیز در بخارا (ازبکستان) رواج دارد و به‌همراه دهل و کرنا و رقص چوب‌بازها در آغاز روستی‌ها اجرا می‌شود.

در توی کلان موسیقی مروگی نیز اجرا می‌شود که همتای موسیقی سازندگی است و در بیم در بزم‌های مردانه اجرا می‌شده‌است. امروزه قطعات موسیقی سازندگی و مروگی در آمیخته شده‌اند. مروگی، موسیقی ایرانیان بخارا است که در سده‌های گذشته از مرو (مرکز خراسان قدیم) و دیگر شهرها به بخارا کوچانده شده‌اند. این نوع موسیقی نیز شامل یک آمد آوازی (که به موسیقی ردیف دستگاهی ایران بسیار نزدیک است) و قطعات ضربی و د (اوفرها) است که شور و نشاط خاصی ایجاد می‌کند.^۳ اجرای ترانه‌های شش‌مقام و بخش‌های سُبک‌تر این نوع موسیقی به‌همراه موسیقی‌های محلی مجالس شادی (بدخشان، حصار، کولاب، گرم و...) نیز تنوع موسیقایی چشم‌گیری را در آخرین مجلس عروسی عمومی تاجیکی (توی کلان) ایجاد می‌کند.

جاقونداران و جامیلیغ (jâqondârân - jâmilîq)

حجله‌بستن برای عروس و داماد را جاقونداران می‌گویند و جامیلیغ، پرده‌ای است که در سه کنج اتاق می‌بندند و عروس باید تا سه روز پشت آن بنشیند و از دیده‌ها پنهان شود.



عروس (مجلس رویینان)

میزان ۷۳ از قطعه‌ی کلاژ ایرانی

10 73

Fl.

Ob.

Cl.

B.

Kl. T.

Vi.

Vla.

Vc.

Kb.

ppp

f

ff

داشته‌ها

تیباس از مقاله‌ی «نگرشی بر نوگرایی در موسیقی»، نوشته‌ی علی‌رضا مشایخی: فصلنامه‌ی هنر، بهار ۱۳۷۷، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۳۵.

موسیقی دوازده‌تنی در ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین جلوه‌اش، آهنگ‌سازی با استفاده از دوازده نت گام کروماتیک است. بر این قاعده که نتی تکرار نگردد تا آن‌که یازده نت دیگر شنیده شوند. این مجموعه را سری گویند. در این روش استفاده از سری به صورت کروماتیک معمول نیست. این روش را اولین بار آرنولد شوئنبرگ آهنگ‌ساز اتریشی و بعدها دیگر آهنگ‌سازان به کار بردند. پس از چنگ دوم جهانی بسیاری از آهنگ‌سازان نوگرا معتقد شدند که برخورد شوئنبرگ با نت‌ها (منظور منطق دوازده‌تنی) را به سایر ابعاد صدا تعمیم دهند. شیوه‌ی حاصل، با عنوان موسیقی «سریل» معروف شده‌است.



پیشینیان است. چهار مضراب‌های ردیف چپ‌کوک در عالی‌ترین سطوح زیبایی‌شناختی و مهارت، ساخته و پرداخته شده‌اند. بدیهی است که کوک خاص به کار رفته در این ردیف (چپ‌کوک) افق‌های بسیاری را در اجرای دستگاه‌ها و آوازهای مختلف گشوده‌است. در هر صورت هنرجویانی که دوره‌ی متوسطه را به اتمام رسانده‌اند، اگر آمادگی لازم را برای اجرای ردیف چپ‌کوک احراز نکرده باشند، ردیف استاد صبا را در چپ‌کوک می‌نوازند تا با مختصات این کوک بیش‌تر آشنا شوند. پس از آن، ردیف چپ‌کوک به همراه پیش‌درآمدها و رنگ‌های چپ‌کوک تدریس می‌شود و در پایان رنگ شهر آشوب شور که توسط استاد پایور برای سنتور تنظیم شده‌است، آموزش داده می‌شود. دوره‌ی عالی در مجموع چیزی حدود سه سال تمام به طول می‌انجامد.

با یک حساب سرانگشتی مشخص می‌شود که گذراندن چهار دوره‌ی خاص مکتب استاد پایور، در حدود ده سال تمام طول می‌کشد و این در حالی است که به گفته‌ی خود ایشان تخمین‌های ذکر شده، متناسب با پیشرفت یک هنرجوی بسیار باهوش و کوشا در زمینه‌ی موسیقی ایرانی در نظر گرفته شده‌است. چه بسا شاگردانی که بعد از ده سال نوازندگی هنوز به دوره‌ی عالی سنتور راه پیدا نکرده‌اند. جالب این‌جاست که توالی دوره‌ها چنان منطقی و پشت سر هم است که با دانستن دوره‌ای که یک هنرجو در آن به سر می‌برد، می‌توان برآورد نسبتاً خوبی از مهارت‌ها و دانش او در زمینه‌ی موسیقی ایرانی به‌عمل آورد.

پیوندگی در مکتب استاد پایور

مکتب استاد پایور شامل کلاس خصوصی ایشان، کلاس‌هایی که زیر نظر ایشان اداره می‌شوند و کلاس‌هایی است که توسط شاگردان مستقیم ایشان در تهران و شهرستان‌ها اداره می‌شوند. کلاسی که زیر نظر ایشان اداره می‌شود، کلاسی است که مدرس آن برای آقایان، آقای سعید ثابت، و مدرس آن برای خانم‌ها، خانم ته‌مینه حق‌گو هستند (مدرس کلاس خانم‌ها در بیست سال اخیر پنج بار تغییر کرده‌است، که به ترتیب عبارتند از خانم مینا افتاده، خانم شهر شجاع‌اردلان، خانم ماندانا اکبری، خانم پریسا فتوحی و خانم ته‌مینه حق‌گو).

در مورد کلاس‌هایی که توسط شاگردان مستقیم استاد اداره می‌شوند نیز باید گفت، با این‌که همه‌ی آن‌ها وجوه مشترک بسیاری (از لحاظ شیوه‌ی تدریس و محتوای آموزشی) دارند، کیفیت آموزش و نزدیک‌بودن آن به شیوه‌ی تعلیم استاد پایور، نسبت مستقیمی با مدت زمان شاگردی نزد استاد و مرحله‌ای که در آن به سر می‌برده، دارد.